



The Construction of the «Constitutive Other» in Linguistic Identity Discourse: An Analysis of Persian Language Preservation Strategies in the Statements of Ayatollah Khamenei «Based on the Theory of Laclau and Mouffe»

Zahrasadat Hoseini¹

Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University of Tehran, Iran.

Abstract

The Persian language, as a cultural heritage and a pillar of Iran's national and civilizational identity, has always been exposed to numerous challenges and changes over time. In the era of globalization, with the expansion of communication technologies and the increasing influence of foreign languages, serious questions have been raised about the survival and stability of this language. In such circumstances, the role of policymakers and cultural custodians in formulating effective strategies to protect this national capital becomes fundamentally important. Ayatollah Khamenei, as a thought-provoking and trend-setting leader, has established a distinctive and coherent discourse in this area in recent decades by emphasizing the concept of «cultural invasion» and its connection with the issue of language. While identifying the dimensions of the danger, he has presented systematic solutions to counter it; but the main question is what relationship do these solutions have with each other in his discursive framework and how are they organized in a semantic system? The aim of this research is not simply to collect these strategies, but rather to discover the “discursive logic” that governs them; in the sense of how the concept of “cultural invasion” functions as a “constructive otherness” and creates a chain of equivalence between concepts such as identity, independence, and resistance to make “language preservation” an identity-building project. This research, based on the theory of Laclau and Mouffe, attempts to show that the preservation of the Persian language in the leadership discourse is not simply a cultural recommendation, but an ideological act in a hegemonic battle to redefine and consolidate Iranian-Islamic identity.

Keywords: Linguistic Identity, Cultural Resistance, Strategies for the Preservation and Promotion of the Persian Language, Statements of Ayatollah Khamenei, Theory of Laclau and Mouffe

برساخت «غیریت سازنده» در گفتمان هویت زبانی: تحلیل راهکارهای حفظ زبان فارسی

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای «بر اساس نظریه لا کلاو و موفه»

زهره سادات حسینی^۱

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

چکیده

زبان فارسی به‌عنوان میراثی فرهنگی و ستون هویت ملی و تمدنی ایران، در گذر زمان همواره در معرض چالش‌ها و دگرگونی‌های متعددی قرار داشته است. در عصر جهانی‌شدن، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ فزاینده زبان‌های بیگانه، پرسش‌هایی جدی درباره بقا و استواری این زبان مطرح شده است. در چنین شرایطی، نقش سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی در تدوین راهبردهای مؤثر برای پاسداری از این سرمایه ملی اهمیت بنیادین می‌یابد. آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبری اندیشه‌ورز و جریان‌ساز، طی دهه‌های اخیر با تأکید بر مفهوم «تهاجم فرهنگی» و پیوند آن با مسئله زبان، گفتمانی متمایز و منسجم در این حوزه بنا نهاده‌اند. ایشان ضمن شناسایی ابعاد خطر، راهکارهایی نظام‌مند برای مقابله با آن ارائه کرده‌اند؛ اما پرسش اصلی آن است که این راهکارها در چارچوب گفتمانی ایشان چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه در نظامی معنایی سازمان می‌یابند؟ هدف این پژوهش صرفاً گردآوری این راهکارها نیست، بلکه کشف «منطق گفتمانی» حاکم بر آن‌هاست؛ به این معنا که چگونه مفهوم «تهاجم فرهنگی» به مثابه «غیریتی سازنده» عمل می‌کند و زنجیره‌ای از هم‌ارزی میان مفاهیمی چون هویت، استقلال و مقاومت پدید می‌آورد تا از «حفظ زبان» پروژه‌ای هویت‌ساز بسازد. این پژوهش با تکیه بر نظریه لا کلاو و موفه می‌کوشد نشان دهد که حفظ زبان فارسی در گفتمان رهبری، نه صرفاً توصیه‌ای فرهنگی، بلکه اقدامی ایدئولوژیک در نبردی هژمونیک برای بازتعریف و تثبیت هویت ایرانی - اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: هویت زبانی، مقاومت فرهنگی، راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی، بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای، نظریه لا کلاو و موفه.

مقدمه

زبان فارسی به‌عنوان میراثی فرهنگی و ستون فقرات هویت ملی و تمدنی ایران، همواره در معرض چالش‌ها و تحولات گوناگون بوده است. در عصر حاضر، پدیده‌هایی همچون جهانی‌سازی، گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ زبان‌های بیگانه، بقا و صلابت این زبان را با پرسش‌های جدی مواجه ساخته است. در این میان، نقش مسئولین و سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای حفاظت از این سرمایه ملی، از اهمیتی راهبردی برخوردار است.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمندی نظریه‌پرداز و رهبر جریان‌ساز، در دهه‌های اخیر با تأکید مستمر بر مفهوم «تهاجم فرهنگی» و پیوند دادن آن با مسئله زبان، گفتمانی متمایز و جهت‌دار در عرصه فرهنگ و هویت ملی بنیان نهاده‌اند. ایشان ضمن شناسایی تهدیدات ناشی از نفوذ فرهنگی و زبانی بیگانه، مجموعه‌ای هماهنگ از راهکارها را برای صیانت از زبان فارسی و حفظ استقلال فرهنگی ارائه کرده‌اند. باوجود این، پرسشی اساسی در کانون این پژوهش قرار دارد: «راهکارهای پیشنهادی آیت‌الله خامنه‌ای در باب پاسداری از زبان فارسی در چارچوب گفتمان ایشان چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه در یک نظام معنایی منسجم سامان می‌یابند؟»

نوآوری این پژوهش در آن است که به‌جای رویکرد توصیفی و نقل مستقیم بیانات، با بهره‌گیری از نظریه گفتمان لا‌کلاو و موفه، به تحلیل ساختار معنایی و منطق درونی گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای درباره زبان فارسی می‌پردازد. این مطالعه می‌کوشد شبکه مفهومی و روابط گفتمانی میان مؤلفه‌هایی چون «زبان»، «هویت»، «استقلال» و «مقاومت فرهنگی» را آشکار سازد و نشان دهد چگونه این عناصر در قالب یک نظام گفتمانی منسجم، گفتمان زبان فارسی را به ابزاری برای بازتولید و تحکیم هویت ایرانی - اسلامی بدل می‌سازند.

مبانی نظری

در بخش مبانی نظری ابتدا به پیشینه تاریخی و جایگاه جهانی زبان فارسی و همچنین عوامل افول و چالش‌های معاصر آن پرداخته می‌شود تا زمینه‌ای برای درک موقعیت گفتمانی زبان فراهم گردد. در ادامه، با تکیه بر نظریه گفتمان لا‌کلاو و موفه، چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل سازوکارهای معنایی و هویت‌ساز در بیانات مقام معظم رهبری تبیین خواهد شد.

الف - تحلیل تاریخی جایگاه بین‌المللی زبان فارسی و علل افول آن

زبان فارسی یکی از پیشینه‌دارترین زبان‌های زنده جهان است. تاریخ این زبان دست‌کم به هزاره نخست پیش از میلاد باز می‌گردد (اسکایروو، ۲۰۰۲: ۱۳). و به‌عنوان زبان دوم دین در کشورهای اسلامی خوانده می‌شود (یسنا، ۱۳۹۸: ۱۸۳). در گذشته نه چندان دور از زبان‌های مطرح دنیا و زبان رسمی ایران، تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان بوده و در کشورهای زیادی مانند ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، بحرین، هند، پاکستان، عراق و... نیز

گویشوران بومی دارد (سیدان، ۱۳۹۵: ۲۱۴). و به‌عنوان یکی از عوامل پیوند دهنده نژادهای مختلف در حوزه تمدن زبان فارسی محسوب می‌شد (خدایار، ۱۳۹۷: ۵). یعنی در دوران قبل از انقلاب صنعتی، دورانی بود که با گسترش تمدن و قدرت ایران، زبان مورد استفاده جوامع بین‌المللی زبان فارسی بود. مهمترین عامل گسترش زبان فارسی و استفاده از آن به عنوان زبان میانجی، جاده ابریشم بود. در واقع، گسترش زبان فارسی به‌عنوان حامل فرهنگ ایرانی از برکات راه ابریشم تلقی می‌شود. در دوران ساسانیان رونق داد و ستد در جاده ابریشم و گسترش زبان فارسی با هم تقارن پیدا کرد و زبان فارسی به زبان میانجی بازرگانان در آسیای مرکزی (در اسغد و خوارزم) تبدیل شد (مجیدی و دهقانان، ۱۳۹۵). در سفرنامه ابن بطوطه هم گستره زبان فارسی تجلی می‌یابد. استفاده از عبارات و واژه‌های فارسی خیلی آشکار است، و حتی شاعران کشورهای مختلف به سرودن شعر فارسی علاقه داشتند (ابن بطوطه، ۱۴۱۲: ۶۴۰، به نقل از گنجی، ۱۳۹۳). گستره نفوذ زبان فارسی به جنوب شرق اروپا یعنی به کشورهای یوگسلاوی، آلبانی، بلغارستان و قبرس هم رسید که ماحصلی از آن به چشم می‌آید. در کشور یونان و رومانی نیز شاید بتوان اثراتی از این تأثیر زبان را یافت که اسنادی از گستره نفوذ و استیلای زبان و ادبیات فارسی به نقاط جهان است (ریاحی، ۱۳۴۹: ۷۹). از آن هنگام تا کنون، زبان فارسی همواره به حرکت پویای خود ادامه داده و از رخدادهای مختلف به سلامت گذر کرده است. در صورتیکه اغلب زبان‌ها در این مدت آنچنان دچار دگرگونی شده‌اند که به جزء متخصصان، سایرین از خواندن و درک متون قدیمی عاجزند (کزازی، ۱۳۷۶: ۲۲۳). اما در طول قرن بیستم، زبان فارسی دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شده است و تحولات سیاسی و انقلاب صنعتی برگسترش و میدان کاربرد آن اثر گذاشته است و تحت تأثیر زبان عربی و انگلیسی قرار گرفته است. از عوامل عمده رواج زبان عربی و تأثیر آن در لهجه‌های ایرانیان، لشکرکشی تازیان در ایران و توقف سربازان عرب در نواحی مختلف ایران به‌ویژه در نواحی مرکزی و شرقی بوده است (صفا، ج ۱، ۱۳۷۱: ۱۵۴). یکی از مهم‌ترین عوامل افول بین‌المللی زبان فارسی در دوره پساغربی، «انقلاب صنعتی» است. تبدیل شدن زبان علم به انگلیسی و فرانسه و رشد سریع صنعت در اروپا و همچنین احساس نیازهای جامعه شرقی به صنعت و دانش اروپایی، نیاز جامعه شرقی را به یادگیری زبان انگلیسی را بیش از پیش عیان کرد. رویکردهای ایدئولوژیکی که در آموزش زبان انگلیسی بعد از آن به کار گرفته شد، در ارتقای جایگاه زبان انگلیسی بی تأثیر نبود (مشهدی و رجیبی، ۱۳۹۸).

ب- نظریه گفتمان لاکلا و موفه

هر اندیشه با تکیه بر مبانی فلسفی و بنیادین خود، روش متناسب با خویش را تولید و پدیده‌های اجتماعی را در قالب آن تحلیل می‌کند (یورگنسن و فیلیپز، ۱۳۹۵: ۲۲). از این منظر، نظریه لاکلا و موفه^۱ بر پیوندی میان دو سنت نظری استوار است: مارکسیسم ساختارگرایانه و

زبان‌شناسی سوسوری. مارکسیسم، بنیان‌های اجتماعی و ایدئولوژیک این نظریه را فراهم می‌سازد، در حالی که زبان‌شناسی ساختارگرای سوسور، چارچوبی برای تحلیل معنا و فرایندهای دلالت در گفتمان در اختیار آن قرار می‌دهد. بدین ترتیب، این نظریه تلفیقی از تحلیل اجتماعی قدرت و سازوکارهای زبانی تولید معنا به شمار می‌آید. لاکلا و موفه گفتمان را پدیده‌ای زبانی می‌دانند و معتقدند که هیچ امری خارج از گفتمان نیست و جهان و هرچه در آن هست با گفتمان معنادار می‌شود (یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴).

در نظام رابطه‌ای گفتمان از دیدگاه لاکلا و موفه، میان عناصر پراکنده و بی‌معنا نوعی نظم و پیوند معنایی برقرار می‌شود که به واسطه فرایندهای خاص، این عناصر به هم مفصل‌بندی شده و در نتیجه هویتی تازه و موقت می‌یابند. آنان برای تبیین این سازوکار از مفاهیم بنیادینی چون مفصل‌بندی، دال و مدلول، دال مرکزی و دال شناور، انسداد معنایی، عنصر و وقته‌ها، عناصر و قلمرو گفتمانی بهره می‌گیرند. در ادامه، به تعاریف و تبیین هر یک از این مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود تا سازوکار شکل‌گیری معنا در گفتمان روشن گردد.

تحلیل مؤلفه‌ها و مفاهیم بنیادین نظریه گفتمان لاکلا و موفه

به باور لاکلا و موفه، صورتبندی یک نظریه گفتمانی مستلزم تبیین مفاهیم کلیدی و بنیادین تشکیل‌دهنده آن است. این دو نظریه‌پرداز برای تدوین چارچوب نظری خود، از منظومه‌ای از مفاهیم متعدد، پیچیده و چندبعدی بهره برده‌اند که فهم نظام‌مند این نظریه و امکان کاربست عملی آن را منوط به شناخت دقیق این مفاهیم می‌سازد. از ویژگی‌های ممیزه این نظام مفهومی، می‌توان به ارتباط دیالکتیکی و زنجیره‌وار مفاهیم اشاره کرد؛ به گونه‌ای که درک هر مفهوم، زمینه‌ساز شناخت مفهوم بعدی بوده و در نهایت شبکه‌ای به هم پیوسته از معانی را شکل می‌دهد. افزون بر این، برخی مفاهیم محوری در این نظریه، دربرگیرنده مفاهیم فرعی تری هستند که در نسبت سلسله‌مراتبی با آنها قرار می‌گیرند. در این مقاله، تلاش شده است تا با ترسیم نقشه این منظومه مفهومی، هم‌بستگی‌های درونی و سطوح مختلف این مفاهیم به صورت نظام‌مند تبیین گردد.

مفصل‌بندی^۱: مفهوم «مفصل‌بندی» به هر فرایندی اطلاق می‌شود که عناصر مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در نتیجه، هویت آن عناصر از طریق این پیوند تنظیم و تعریف می‌شود (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵). از این رو هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶).

دال و مدلول^۲: دلالت اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود (لاکلا و موفه، ۲۰۰۲: ۱۴۰)..

دال مرکزی^۱: به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «دال مرکزی» می‌گویند (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). به طور کلی می‌توان گفت انسجام در گفتمان در سایه مفصل‌بندی دال‌ها، حول دال مرکزی حاصل می‌شود (کسرائی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴).
دال شناور^۲: در این نظریه، همان نشانه‌ها و مفاهیمی هستند که گفتمان‌های مختلف در تلاش برای معنادهی به آنها می‌باشند. «دال شناور» دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر آن با هم رقابت می‌کنند. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

دال خالی: دال خالی بیان‌گر یک خلأ در فضای اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، نشان از یک امر غایب دارد. وظیفه دال‌های خالی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. از آنجا که این دال‌ها همواره نواقص را گوشزد می‌کنند، تولید آنها سبب پویایی جامعه و سیاست خواهد شد (لاکلا، ۱۹۹۴: ۴۹). دال‌های خالی نمایانگر کل زنجیره گفتمانی دال‌های مرتبط با خود هستند و کاملاً عاری از هرگونه معنای خاص خود می‌باشند. تنها معنایی که یک دال خالی دارد این است که در یک طرف دوگانگی قرار دارد که ساختار گفتمانی را به دو گروه تقسیم می‌کند (جیکوبز، ۲۰۱۸).

عناصر و وقته‌ها: عناصر، نشانه‌هایی هستند که مفصل‌بندی نشده و به همین دلیل هنوز معنایشان تثبیت نگشته و دارای معنای چندگانه هستند. اما هنگامی که عناصر در درون یک گفتمان مفصل‌بندی و به هویت و معنای موقت دست پیدا می‌کنند تبدیل به وقته‌ها می‌شوند (لاکلا، ۱۹۸۵: ۱۰۵). نقطه شکل‌گیری گفتمان‌ها از طریق ثبات نسبی وقته‌ها حول دال مرکزی است که معنای خود را از نوع رابطه با دال مرکزی کسب می‌کنند (یورغنسن و قیلیس، ۲۰۱۹: ۶۲-۶۱).

انسداد^۳: یک گفتمان، تلاشی است برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی آنها به یک معنای کاملاً تثبیت شده (یورگنسن^۴، ۲۰۰۲: ۲۸).

هژمونی و تثبیت معنا: لاکلا از انعطاف‌پذیری میان دال و مدلول استفاده می‌کند و آن را با هژمونی، پیوند می‌دهد؛ یعنی اگر افکار عمومی، معنای مشخصی را برای آن هرچند به‌طور موقت بپذیرد و تثبیت نماید آن دال هژمونیک می‌شود (آزرمی، ۱۳۹۲).

سازه‌ها و فرایندهای تکوین گفتمان از دیدگاه لاکلا و موفه

قدرت: قدرت از نظر لاکلا و موفه، عبارت است از «قدرت تعریف کردن؛ و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌نماید.» (نش، ۱۳۸۰: ۴۹).

هویت: از آنجا که همه چیز در درون گفتمان معنا می‌شود، هویت نیز امری گفتمانی است که گفتمان به افراد و پدیده‌های اجتماعی اعطا می‌کند. البته به علت تنازع و تخصم دائم میان

1. Nodal point

2. Floating Signifier

3. Field of Discursivity

4. Jorgensen

گفتمان‌ها امر هویت بخشی، موقت و نسبی است و هویت گفتمان، ناپایدار است. هویت‌ها، برساخته مفصل‌بندی‌های هژمونیک هستند.

غیوریت^۱: در نظریه گفتمان، غیریت‌سازی یعنی مبارزه بر سر خلق معنا، چراکه نزاع و تقابل در جامعه، نیروی پیش‌راننده آن است و هر گفتمانی با گفتمان‌های دیگر در حال نزاع است و سعی می‌کند واقعیت را آن‌گونه که خود می‌خواهد تعریف کند. در واقع غیریت‌سازی اجتماعی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد: ۱- خلق رابطه‌ای غیریت‌سازانه که همواره شامل دشمن‌سازی یا یک «دیگری» است، برای تأسیس مرزهای سیاسی اهمیت بسزایی دارد. ۲- تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی برای تثبیت جزئی هویت تشکلی‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی، با اهمیت است. ۳- آزمودن غیریت‌سازی مثال خوبی برای نشان دادن محتمل و مشروط بودن هویت است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۹۴).

خصومت: در نظریه لا کلا و موفه به امکانی و موقتی بودن و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد. خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها بر مبنای خصومت، خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچگاه تثبیت نمی‌شوند. از سوی دیگر، این تضاد همیشه خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد؛ زیرا هویت‌ها جوهری ثابت نیستند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند، هویت می‌یابند. بنابراین، وجود غیر، هم مایه انسجام بخشی به هویت گفتمان است و هم آن را از رقبای دیگر متمایز می‌کند. از این رو، هویت گفتمان‌ها، از تقابل میان درون و برون شکل می‌گیرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴).

زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت^۲: گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود میان عناصر را از بین می‌برند و به نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می‌کنند. در این معنا، عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل می‌شوند. منطق هم‌ارزی منطق ساده‌سازی فضای سیاسی است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۴). و غیریت ما را به مفهوم دیگری نیز رهنمون می‌سازد که از آن با نام منطق تفاوت یاد می‌شود. منطق تفاوت^۳، به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایز و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. با این حال، اگرچه زنجیره‌های هم‌ارزی هرگز نمی‌توانند به طور کامل بر فضای بازنمایی مسلط شوند، اما می‌توانند بسیار به آن نزدیک شوند، اما تنها با یک تفاوت اصلی باقی مانده است. اینجاست که «تضاد» وارد می‌شود، زیرا این تفاوت اساسی، ساختار گفتمانی را دوپاره می‌کند و آن را به دو قسمت متضاد تقسیم می‌کند. در این سناریو، تمام دال‌های موجود در زنجیره گفتمانی با یک نقطه‌گره‌ای واحد معادل شده‌اند که به یک «دال خالی» تبدیل می‌شود (لا کلا، ۲۰۰۵: ۷۲-۶۹).

1. otherness

2. Chain of equivalence and difference

3. Logic of difference

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل گفتمان بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که مطالعات متعددی با چارچوب‌های نظری مشابه انجام شده‌اند، هرچند موضوعات مورد بررسی در آن‌ها متفاوت بوده است. برای نمونه، شعاعی و میرشکاری سلیمانی (۱۴۰۲) به تحلیل گفتمان خطبه‌های نماز جمعه و بازتاب آن در رسانه‌های آمریکایی پرداخته‌اند و هوشنگی (۱۳۹۹) مواضع رهبری نسبت به اهل سنت را مورد بررسی قرار داده است. همچنین پژوهش‌هایی مانند عبدالملکی و احمدی (۱۳۹۲)، بشیر و همکاران و کاشی به تحلیل گفتمان بیانات مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری پرداخته‌اند و در حوزه سیاست خارجی، آثار اسدی (۱۳۹۳)، کریمی فیروزجایی و حبیبی (۱۴۰۰) و میرزایی و همکاران (۱۳۹۵) به ترتیب به بررسی گفتمان «تعامل‌گرایی ضد سلطه»، «برجام» و «بیداری اسلامی» اختصاص داشته است. افزون بر این، نصرت‌پناه و همکاران (۱۳۹۸) با تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب، به بازتولید ارزش‌های انقلابی پرداخته‌اند.

با وجود این حجم از مطالعات گفتمانی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از پژوهش‌ها به‌صورت خاص به تحلیل گفتمان بیانات مقام معظم رهبری در حوزه زبان فارسی نپرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، زمینه‌ساز نوآوری پژوهش حاضر است. پژوهش پیش رو با تمرکز بر تحلیل گفتمان تربیتی و فرهنگی مرتبط با زبان فارسی در بیانات رهبری و با بهره‌گیری از چارچوب نظری لاکلا و موفه، برای نخستین بار امکان شناسایی دال‌های مرکزی، زنجیره‌های هم‌ارزی و نقش زبان فارسی در بازتولید هویت فرهنگی و مقاومت معنایی را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، این پژوهش با ارائه الگویی جامع از جایگاه زبان فارسی در گفتمان رهبری، نوآوری علمی و ارزش افزوده قابل توجهی نسبت به مطالعات پیشین ایجاد می‌کند. البته برخی از پژوهش‌ها به بررسی راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی پرداخته‌اند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

صابری زفرقندی (۱۴۰۱) بر این باور است که حفظ شأن علمی زبان فارسی به عنوان زبان تفکر، فرهنگ و تاریخ، یک ضرورت ملی و هویتی است. این امر مستلزم توجه به سیاست‌گذاری‌های زبانی، تقویت جایگاه فارسی در عرصه‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری است. تقویت و ترویج زبان فارسی در گرو عزم ملی و برنامه‌ریزی کلان برای ارتقای آن در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد.

اسمعیل زاده (۱۳۹۳) نقش شاعران بزرگ زبان فارسی را در حفظ و پاسداشت از زبان فارسی به عنوان زبان ملی بررسی کرده است. نویسندگان، روشنفکران، نجبگان، عالمان و شاعران از روی وظیفه ملی و برای رشد فرهنگی و فکری مردم و جلوگیری از پراکندگی و گسیختگی جامعه زبان را به‌عنوان محور اساسی و وحدت ملی انتخاب کرده‌اند. این هم‌فکری و هم‌نظری در درازی تاریخ ایران، باعث شده است تا زبان فارسی نه تنها به‌صورت زبان ذوق، عرفان، شعر، فلسفه، تاریخ و فرهنگ ایران درآید، بلکه در هویت بخشیدن به ایران و حفظ وحدت ارضی و فرهنگی آن نیز نقش بدون انکاری بازی کرده است.

قاسمی پیربلوطی (۱۴۰۲) عملکرد قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه به همراه الزامات تقنینی و ملاحظات سیاستگذاری زبانی در جهت پاسداشت زبان فارسی را ارزیابی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عمده دستگاه‌هایی که در قبال این قانون وظیفه قانونی مستقیم یا غیرمستقیم دارند، نسبت به اجرای این قانون کم‌توجه یا بی‌توجه بوده‌اند. به‌طور کلی، اگرچه در زمینه پاسداشت زبان فارسی اقدام‌های مناسبی در دو حیطه نهادسازی و قانونگذاری صورت گرفته است، در بُعد اجرا (اقدام‌های اجرایی، ضمانت اجرا و نظارت بر اجرا) چالش و ضعف جدی وجود دارد. در پایان نیز ملاحظات، پیشنهادها و راهکارهایی در چهار محور «سیاستگذاری زبانی»، «مفاد قانون و آیین‌نامه اجرایی»، «آرایش و نقش‌آفرینی دستگاه‌ها و بازیگران» و «زمینه‌ها و زیرساخت‌ها» ارائه شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی-تحلیلی بر پایه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف است که با رویکردی کیفی به بررسی چگونگی شکل‌گیری معنا و بازتولید قدرت در گفتمان‌ها می‌پردازد. در این روش، زبان به‌مثابه ابزاری برای ساخت واقعیت اجتماعی تحلیل می‌شود، نه صرفاً وسیله‌ای برای بازنمایی آن. تحلیل بر محور مفاهیمی چون «دال مرکزی»، «زنجیره‌ی هم‌ارزی» و «غیریت‌سازی» انجام می‌گیرد تا منطق گفتمانی حاکم بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره زبان فارسی آشکار شود.

داده‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش از سه سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای شامل دیدار با اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران (۵ اسفند ۱۳۷۰)، دیدار با استادان دانشگاه‌ها (مرداد ۱۳۹۲) و دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (آذر ۱۳۹۲) گردآوری شده است. از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای و بر اساس فیش‌های موضوعی مربوط به «زبان فارسی» استخراج شده‌اند. انتخاب این سه متن به دلیل تمرکز مستقیم آن‌ها بر مقوله زبان فارسی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی انجام گرفته است. این سخنرانی‌ها از نظر تاریخی، بازتاب‌دهنده تحول و استمرار گفتمان رهبری در دوره‌های مختلف‌اند. هدف از این انتخاب، بررسی نظام معنایی و منطق گفتمانی ایشان در بازنمایی زبان فارسی به‌مثابه عنصر بنیادین هویت ملی و فرهنگی ایران است.

تحلیل یافته‌ها

واژه‌سازی برای واژه‌های بیگانه: زبان فارسی از نظر امکانات واژه‌سازی زبانی است پرمایه و ساختمان ترکیبی واژه در آن مایه بسیار برای گسترش دامنه واژگان این زبان فراهم می‌کند و امروز که ما به هزاران واژه تازه در زمینه علم و فن و فلسفه و هنر نیاز داریم، بهره‌گیری از این امکانات درونی زبان می‌تواند بسیار مشکل‌گشا باشد. (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۵۵) عدم تحقق این توانمندی و تخطی از برخی اصول واژه‌گزینی، به همراه غفلت برخی مسئولان مربوطه، موجب شده است

که رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۲ نسبت به وضعیت زبان فارسی ابراز نگرانی کنند و به مسئولان تذکر دهند. در جدول شماره ۱، به تحلیل سخنان ایشان از دیدگاه لا کلا و موفه پرداخته خواهد شد.

جدول شماره: ۱

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مؤلفه‌های متناظر	شواهد از متن
دال مرکزی	زبان فارسی به مثابه‌ی هسته‌ی هویت فرهنگی و ملی؛ ابزار استقلال فرهنگی و مقاومت تمدنی	«خیلی نگران زبان فارسی‌ام... زبان فارسی باید گسترش پیدا کند»
زنجیره هم‌ارزی	زبان فارسی ← هویت ملی ← استقلال فرهنگی ← مقاومت در برابر تهاجم زبانی ← واژه‌سازی بومی ← غیرت فرهنگی ← مسئولیت اجتماعی	«برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن... فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید.»
زنجیره تفاوت	واژگان بیگانه ← تهاجم فرهنگی ← فراموشی زبان فارسی ← خودکم‌بینی زبانی ← بی‌عملی نهادی	«تهاجم به زبان زیاد است... ننگش می‌کند کسی که تعبیر فارسی به کار ببرد.»
دیگری گفتمانی	فرهنگ و زبان بیگانه، گفتار فرنگی‌مآب، نهادهای غافل از مسئولیت زبانی	«در کانون زبان فارسی داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم.»
منطق هم‌ارزی	تقابل ما / آن‌ها؛ حافظان زبان در برابر مروجان زبان بیگانه؛ تأکید بر مبارزه با تهاجم زبانی	«(باید با این مبارزه کرد).»
منطق تفاوت	بازتولید درون‌زای معنا از طریق واژه‌سازی، گسترش فرهنگی و ایجاد اصطلاحات فارسی	«فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید.»
فاعل گفتمانی	«ما»ی فرهنگی: معلمان، نهادهای زبانی، مردم و نخبگان مسئول در پاسداری از زبان فارسی	«ما در کانون زبان فارسی داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم.»
منطق هژمونیک	تلاش برای برساخت هژمونی فرهنگی بر پایه‌ی زبان فارسی؛ مقاومت در برابر جهانی‌سازی زبانی	«زبان فارسی باید گسترش پیدا کند و نفوذ فرهنگی آن افزایش یابد.»
هدف گفتمان	بازتعریف زبان فارسی به‌عنوان رکن هویت فرهنگی و ابزار مقاومت نرم در برابر سلطه‌ی فرهنگی غرب	«(باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزه‌روز بیشتر شود).»

استفاده نکردن از واژه‌های بیگانه: در دوره قاجاریه، آشنایی و ارتباط ایرانیان با اروپاییان، موجب تحولات عظیمی در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و نظامی ایران شد. این امر در زبان فارسی نیز تأثیری شگرف بر جای گذاشت. البته نخستین برخورد بارز و مشخص ایرانیان با غرب، به پیش از این دوره می‌رسد: «در دوره حسن بیگ، جمهوری ونیز برای مقابله با ترکان عثمانی، ایجاد ارتباط سیاسی با ملل دیگر را به تصویب رساند که نتیجه پذیرش این موضوع، به ورود جهانگردان و تجار و سفرا و انتقال کالاهای دیگر کشورهای دیگر انجامید. ورود اولین مظاهر تمدن اروپا نیز در پوشش کالاهایی چون اسلحه و عینک از زمان حسن بیگ آغاز شد.» (قبادی، ۱۳۸۳: ۵). واژه‌های دخیل در زبان فارسی از گذشته تاکنون همواره وجود داشته و اغلب در بطن زبان نیز پذیرفته شده‌اند؛ همین که ملتی یکی از محصولات کشاورزی یا صنعتی را از کشور دیگر به دست آورد یا بعضی قواعد و آداب تمدن و فرهنگ را از ملت‌های دیگر اقتباس کند، غالباً لفظی را که بر آن معنی دلالت داشته نیز عیناً یا با مختصر تغییری می‌پذیرد (ناتل خانلری، ج ۱، ۱۳۹۵: ۹۹). در روزگار کنونی، نفوذ فرهنگ غرب و گرایش افراطی به به‌کارگیری واژگان بیگانه، به‌ویژه با انگیزه نمایش منزلت اجتماعی و تمایز فرهنگی، به پدیده‌ای رایج تبدیل شده است. این روند نوعی استعمار نوین زبانی محسوب می‌شود که هدف آن تضعیف هویت بومی و کاهش اقتدار فرهنگی زبان فارسی است.

رهبر فرزانه انقلاب به‌خوبی و به‌موقع به تهاجم فرهنگی سیاستمداران غربی اشاره کردند و در دیدار با استادان دانشگاه‌ها در ۱۵ مرداد ۱۳۹۲، استفاده از واژه‌های بیگانه را رنج‌آور توصیف کردند. در جدول شماره ۲، به تحلیل سخنان ایشان با توجه به نظریه لاکلا و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۲:

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مصادیق	شواهد از متن
دال مرکزی	زبان فارسی؛ نماد اصالت و هویت فرهنگی	«از اینکه واژه‌های بیگانه بی‌دریغ در زبان مردم ما به کار می‌رفت... رنج می‌بردم.»
زنجیره هم‌ارزی	زبان فارسی ↔ استقلال فرهنگی ↔ عزت ملی ↔ غیرت زبانی ↔ خودباوری فرهنگی ↔ مبارزه با تقلید	«درحالی که واژه معادل فارسی وجود دارد، دوست می‌دارند از تعبیرات غربی استفاده کنند...»
زنجیره تفاوت	واژه‌های بیگانه ↔ تقلید فرهنگی ↔ خودکم‌بینی ↔ غرب‌گرایی ↔ فراموشی زبان بومی	«افتخار می‌کردند که یک مطلب را با تعبیر فرنگی بیان کنند.»
دیگری گفتمانی	فرهنگ و زبان غربی، فرنگی‌مآبی، الگوی گفتاری غرب‌زده	«یک عده‌ای کأنه افتخار می‌کنند که حقیقتی را با واژه فرنگی بیان کنند.»

منطق هم‌ارزی	مرزبندی میان ما (پاسداران زبان فارسی) و آنها (مقلدان زبانی غرب)	«خیلی از سنت‌های غلط پیش از انقلاب ... این یکی از بین نرفت.»
منطق تفاوت	دعوت به خودآگاهی زبانی و بازگشت به زبان بومی؛ نقد عادت فرهنگی نه حذف دیگری	«درحالی که واژه معادل فارسی وجود دارد.»
«فاعل گفتمانی	ایرانی آگاه و مسئول در برابر زبان مادری؛ حامل اصالت فرهنگی	«بنده از پیش از انقلاب از این وضعیت رنج می‌بردم.»
منطق هژمونیک	تلاش برای بازتولید هژمونی فرهنگی از طریق بازتعریف رابطه مردم با زبان فارسی	«این به دامنه‌های گسترده‌ای در سطوح عوامانه رسیده که واقعاً رنج‌آور است...»
هدف گفتمان	احیای غیرت زبانی و بازسازی عزت فرهنگی در برابر سلطه زبانی غرب	«افتخار به تعبیر فرنگی رنج‌آور است.»

احیای نشانه‌های زبانی در فضای جامعه: ترمیناساوا^۱ بر این باور است که زبان، ارزش‌های فرهنگی را در کلمات، دستور و قواعد، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و تعبیرات، فولکلور، ادبیات، علم و همچنین در نوشتار و گفتار شفاهی حفظ می‌کند (شاربونیه، ۱۹۶۱: ۱۸۸). به منظور حفظ زبان فارسی در اصل ۳۳ مجموعه ضوابط تولید آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی آمده است که در متن و گفتار آگهی باید از واژه‌ها و کلمات فارسی استفاده شود و همچنین اسامی کالاها و اماکنی که در متن آگهی ذکر و یا در تصویر نمایش داده می‌شود باید فارسی باشد (مسعودی پور، ۱۳۹۹: ۵۹۳). اما با توجه به گسترش تکنولوژی و اینترنت شیوه‌های املائی گوناگونی گسترش پیدا کرده است. گاه واژه‌های فارسی را به خط لاتینی و گاه واژه‌های بیگانه را به خط فارسی می‌نویسند. در نوشتن واژه‌های فارسی نیز به قواعد و نظام واحدی مقید نیستند. در دل این آشفتگی، که روز به روز دامنه آن فراخ‌تر می‌شود، بعضی از وب‌نویسان در دستور خط فارسی شیوه‌هایی تازه و نامأنوس را بنا می‌نهند (رضی و ضیائی، ۱۳۸۹: ۴۹). مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه ۱۳۹۲، کاربرد خط و زبان لاتین در تبلیغات را حیرت‌آور دانسته و بیان کردند. در جدول شماره ۳، به تحلیل گفتمان سخنان ایشان با توجه به نظریه لاکلا و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۳

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مصادیق	شواهد از متن
دال مرکزی	زبان فارسی به عنوان نماد هویت فرهنگی و استقلال ملی	«اسم فارسی را با خط لاتین می‌نویسند! خب چرا؟»
زنجره هم‌ارزی	زبان فارسی ← هویت ملی → تولید داخلی ← عزت فرهنگی → خودباوری ← احترام به مخاطب ایرانی	«هرگز نایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود.»

زنجیره تفاوت	حروف لاتین ↔ نام‌های فرنگی ↔ تقلید فرهنگی ↔ سلطه نمادین غرب ↔ خودکم‌بینی زبانی	«روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟»
دیگری گفتمانی	فرهنگ و زبان غربی؛ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان غرب‌زده	«اسم فارسی با حروف لاتین... چه کسی می‌خواهد از این استفاده کند؟»
منطق هم‌ارزی	پیوند میان زبان فارسی، هویت و تولید داخلی در برابر نفوذ بیگانه	«محصولی در داخل تولید می‌شود، در داخل مصرف می‌شود، چه لزومی دارد؟»
منطق تفاوت	تمایز منطقی میان کاربرد بین‌المللی (صادرات) و کاربرد داخلی	«اگر محصول صادراتی دارید... زبان خارجی هم نوشته بشود؛ اما در داخل مصرف می‌شود، نه.»
فاعل گفتمانی	ایرانی آگاه و متعهد که نسبت به نشانه‌های زبانی حساس است	«من واقعاً حیرت می‌کنم.»
منطق هژمونیک	تلاش برای تثبیت زبان فارسی به عنوان نشانه‌ی حاکمیت فرهنگی در فضای عمومی و اقتصادی	«هرگز نایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود.»
هدف گفتمان	بازسازی اقتدار فرهنگی از رهگذر حفظ نشانه‌های زبانی در عرصه تولید و مصرف داخلی	«اسم‌های فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ایران... چه داعی داریم؟»

زبان فارسی به عنوان زبان علم: زبان فارسی تنها زمانی تبدیل به یکی از زبان‌های علمی می‌شود که فارسی‌زبانان تولیدکننده علم و نه مصرف‌کننده یا صرفاً تحصیل‌کننده علم تولیدی دیگران باشند و زبانی که صحبت‌کنندگان آن تولیدکننده علم باشند به‌طور طبیعی به گونه علمی زبان مجهز خواهند شد بی‌آنکه نیازمند دستور یا تجویزی باشد. یک زبان در راه هرچه بهتر علمی شدن فقط نیازمند هدایت است و نه کنترل (کافی، ۱۳۷۲). حق شناس (۱۳۸۴: ۲۶) براین باور است که گسترش کاربرد گونه علمی زبان فارسی در توسعه علمی ناگزیر است. منصوری (۱۳۷۴: ۱۶) گسترش گونه علمی زبان را جزئی جدایی‌ناپذیر از پیشرفت علمی ملت‌ها می‌داند. این دیدگاه منطبق بر نظریات هیلیدی است که هر نظریه علمی را متشکل از دو بخش می‌داند: اصطلاحات که در واقع عصاره دانش هستند، و گفتمان که برای استدلال در نظرپردازی به کار می‌آید... اما با توجه به ویژگی‌های زبانی زبان فارسی، اندیشه غالب در مجامع علمی، به‌ویژه در حوزه‌های پزشکی، علوم پایه و فنی و مهندسی، این است که منابع و مطالب علمی باید به زبان خاص علم و تمدن غرب ارائه شوند. مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه‌ها در ۱۵ مرداد ۱۳۹۲، یکی از راه‌های گسترش و حفظ زبان فارسی را در نظر گرفتن آن به‌عنوان زبان علم مطرح کردند. در جدول شماره ۴، به تحلیل گفتمان سخنان ایشان با توجه به نظریه لاکلا و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۴

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مصادیق	شواهد از متن
دال مرکزی	زبان فارسی به عنوان زبان علمی و معرفتی	«زبان فارسی این قدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق ترین علوم می توانند با این زبان بیان شوند.»
زنجیره هم‌ارزی	زبان فارسی ← ظرفیت علمی → استقلال معرفتی ← اقتدار ملی → خودباوری علمی ← مقاومت فرهنگی	«ما زبان پر ظرفیتی داریم... باید زبان علمی کشور ما فارسی باشد.»
زنجیره تفاوت	زبان انگلیسی ← وابستگی علمی → سلطه معرفتی غرب ← خودکم بینی زبانی	«این افتخاری نیست که بگویم زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است.»
دیگری گفتمانی	گفتمان سلطه علمی غرب؛ باور به انحصار زبان انگلیسی	«بعضی کشورها نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها.»
منطق هم‌ارزی	همبستگی میان زبان فارسی، علم و استقلال فرهنگی	«مثل فرانسه و آلمان زبان خودشان را به عنوان زبان علمی حفظ کردند.»
منطق تفاوت	پذیرش علم جهانی همراه با تأکید بر بومی سازی زبانی	«زبان فارسی این قدر ظرفیت دارد که علوم ظریف را بیان کند.»
فاعل گفتمانی	دانشمند، استاد و نهاد علمی متعهد به زبان بومی	«ما زبان پر ظرفیتی داریم...»
منطق هژمونیک	تلاش برای هژمونیک کردن گفتمان «علم بومی در زبان فارسی»	«این افتخار نیست که زبان علمی ما خارجی باشد.»
هدف گفتمان	بازتعریف رابطه علم و زبان بر پایه استقلال فرهنگی و خودباوری علمی	«کشورهای اروپایی زبان خود را زبان علم نگه داشتند.»
دال مرکزی	مرجعیت علمی ایران و زبان فارسی	«هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد.»
زنجیره ی هم‌ارزی	زبان فارسی ← علم → اقتدار ملی → استقلال معرفتی ← خودباوری تمدنی	«شما کاری کنید که کشور در آینده چنین وضعی پیدا کند.»
زنجیره ی تفاوت	زبان های غربی ← سلطه معرفتی → تبعیت علمی ← خودکم بینی زبانی	«همچنان که امروز شما مجبورید زبان دیگری را یاد بگیرید تا کتاب مرجع را بخوانید...»
دیگری گفتمانی	گفتمان سلطه علمی غرب؛ انحصار زبان انگلیسی در تولید علم	«امروز شما مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا کتاب مرجع را پیدا کنید.»

فاعل گفتمانی	دانشمند ایرانی مولد علم به زبان فارسی	«شما کاری کنید که کشور چنین وضعی پیدا کند...»
منطق هم‌ارزی	علم = زبان فارسی = استقلال معرفتی = اقتدار تمدنی	«ناچار باشند زبان فارسی را یاد بگیرند.»
منطق تفاوت	تقابل با نظم علمی غرب محور	«همچنان که امروز شما مجبورید زبان بیگانه را بیاموزید.»
منطق هم‌مونیک	تلاش برای جابه‌جایی مرکزیت علم از غرب به ایران و فارسی	«کشور باید مرجع علمی و فناوری جهان شود.»
هدف گفتمان	ایجاد هم‌مونی معرفتی جدید با محوریت زبان و فرهنگ ایرانی	«تا دیگران مجبور شوند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند.»

رابطه ادبیات و زبان فارسی: زبان فارسی یکی از غنی‌ترین ادبیات‌ها را در بین زبان‌های زنده جهان دارد. (آزبری، ۱۹۵۳: ۲۰۰) بر این باور است که ادبیات فارسی یکی از عظیم‌ترین ادبیات‌های بشریت است. این غنای هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی بسیار قابل توجه است. از نظر کمی حجم متون ادبی تولید شده به زبان فارسی، به نسبت هم‌تایان آن بسیار بالاست (ریپکا، ۱۹۶۸). با توجه به مضامین و مفاهیم عمیق ادبیات فارسی، بسیاری از علاقه‌مندان در سرتاسر جهان به خواندن و درک این ادبیات تشویق و ترغیب می‌شوند. مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای گروه ادبیات و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران در ۵ اسفند ۱۳۷۰، با اشاره به جایگاه ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران، یکی از راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی را توسعه ادبیات فارسی عنوان کردند. در جدول شماره ۵، به تحلیل گفتمان سخنان ایشان با توجه به نظریه لاکلا و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۵

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مصادیق	شواهد از متن
دال مرکزی	ادبیات به مثابه ابزار هویت و مقاومت فرهنگی	«ادبیات فقط یک سرگرمی نیست... بلکه یک چیز ضروری است.»
زنجیره‌ی هم‌ارزی	ادبیات فارسی ↔ فرهنگ ایرانی ↔ هویت تمدنی ↔ مقاومت در برابر استعمار ↔ پیوند فرهنگی ملت‌ها	«ما امروز مایلیم که آن ملت‌هایی که با فرهنگ ایرانی آشنا بودند، این ارتباط محفوظ بماند...»
زنجیره‌ی تفاوت	استعمار ↔ زبان انگلیسی ↔ فراموشی فرهنگی ↔ انقطاع تمدنی	«کمپانی هند شرقی تلاش کرد تا زبان فارسی را کنار بزند.»

دیگری گفتمانی	استعمار انگلیسی و گفتمان فرهنگی غربی	«یکی از نخستین تلاش‌هایش این بود که زبان فارسی را کنار بزند...»
فاعل گفتمانی	ادیبان و نخبگان فرهنگی؛ ملت‌های فارسی‌زبان	«این را شما باید در محیط‌های ادبیاتی اثبات کنید.»
منطق هم‌ارزی	ادبیات = حافظه تاریخی = مقاومت فرهنگی	«این نقش ادبیات است که بسیار حائز اهمیت است.»
منطق تفاوت	تقابل با گفتمان تشریفاتی‌سازی ادبیات	«ادبیات فقط یک امر تشریفاتی نیست.»
منطق هم‌مونیک	احیای هم‌مونی فرهنگی زبان و ادبیات فارسی در برابر سلطه‌ی استعمار	«ما می‌خواهیم این را برگردانیم.»
هدف گفتمان	بازسازی اقتدار فرهنگی ایران از طریق ادبیات فارسی	«ما گلستان سعدی و دیوان حافظ را می‌فرستیم... آنها هم استقبال می‌کنند.»

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان بیانات رهبر معظم انقلاب درباره‌ی زبان فارسی نشان می‌دهد که مفهوم «تهاجم فرهنگی» در این گفتمان از یک تهدید صرف به یک غیریت سازنده تبدیل می‌شود که امکان شکل دهی به یک پروژه‌ی هویت‌ساز را فراهم می‌آورد. مطابق چارچوب نظری لاکلا و موفه (۱۹۸۵)، هر گفتمان برای تثبیت معنا نیازمند مرزبندی است که خود را از «دیگری» متمایز کند. در این گفتمان، «تهاجم فرهنگی» به منزله‌ی دیگری گفتمانی عمل می‌کند؛ تهدیدی که سوژه‌ی ایرانی را از انفعال فرهنگی به کنشگری فعال در حوزه‌ی زبان، ادبیات و علم سوق می‌دهد و ضرورت «حفظ و گسترش زبان فارسی» را معنادار می‌سازد.

در این گفتمان، زبان فارسی نه فقط ابزار ارتباط، بلکه حامل هویت ملی، حافظه‌ی تاریخی و عنصر پیونددهنده‌ی ملت‌های فارسی‌زبان است. این نگاه با دیدگاه عاطفی و هویت‌محور برخی اندیشمندان و ادیبان ایرانی همسویی دارد از جمله رحیم‌زاده صفوی (۱۳۱۲) و عباس اقبال (۱۳۳۹، ۱۳۲۴، ۱۳۱۲) به زبان فارسی، نگاهی عاطفی داشته‌اند و زبان فارسی را میراث فرهنگی می‌دانند. شاید بتوان رحیم‌زاده صفوی (۱۳۱۲)، فروغی، خانلری، محیط طباطبایی، شادمان (۱۳۴۰)، وحید زاده، امام شوشتری، شهابی، راسخ، صادقی، آشوری و سمعی را از جمله افرادی دانست که برای زبان هویتی نمادین قائل‌اند و به‌گونه‌ای زبان فارسی را نماد هویت ملی می‌دانند. (داوری اردکانی، ۱۳۸۴: ۷)

در مقابل، تهاجم فرهنگی شامل ورود واژه‌های بیگانه، حذف خط فارسی از فضاهای عمومی یا سلطه‌ی زبان‌های خارجی در آموزش و علم به عنوان محرکی برای بازسازی هویت فرهنگی و تمدنی تعریف می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که حفظ زبان فارسی از یک اقدام محافظه‌کارانه به یک

پروژه هژمونیک و هویت‌ساز ارتقا می‌یابد. در این زمینه، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد واژه‌سازی و نوآوری زبانی وجود دارد. از جمله موافقان وحید زاده (۱۳۴۱) و امام شوشتری (۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲) با واژه‌سازی موافق‌اند. حق‌شناس (۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹) واژه‌سازی را نوعی نوآوری زبانی می‌داند. و منتقدان آن محبوب (۱۳۲۶) با واژه‌سازی رسمی چندان موافق نیست. خواجه نوری (۱۳۴۰) نظر دکتر معین را این‌گونه نقل می‌کند که از تحمیل لغات بر مردم باید جلوگیری کرد و فقط باید مردم را در معرض واژه‌های ساخته‌شده قرار داد. (داوری اردکانی، ۱۳۸۴: ۶)

این گفتمان، زنجیره‌ای از هم‌ارزی میان مفاهیم کلیدی شکل می‌گیرد:

زبان فارسی → هویت ملی → استقلال فرهنگی → مقاومت در برابر سلطه → خودباوری علمی → مرجعیت تمدنی.

این زنجیره، عناصر پراکنده‌ای مانند ادبیات، آموزش، خط، واژگان و تولید علم را به هم پیوند می‌دهد و انسجام گفتمان مقاومت فرهنگی را تضمین می‌کند. بدین ترتیب، زبان فارسی به دال مرکزی گفتمان تبدیل می‌شود و سایر مفاهیم پیرامونی در رابطه هم‌ارزی معنا پیدا می‌کنند، در حالی که گفتمان‌های غربی و سلطه زبانی به عنوان «دیگری» معنا و مرز آن را تثبیت می‌کنند. ادبیات فارسی نیز در این ساختار نقش محوری دارد؛ نه تنها به عنوان میراث فرهنگی، بلکه به‌عنوان ابزار بازتولید حافظه جمعی، پیوند تمدنی و هویت فرهنگی. آثار ادبی کلاسیک، مانند دیوان حافظ و گلستان سعدی، از یک سو زمینه اتصال ملل فارسی‌زبان را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، استعمار زبانی تاریخی را خنثی می‌سازند. این بازتعریف، گفتمان مقاومت فرهنگی را از حالت دفاعی به وضعیت هژمونیک و مولد معنا ارتقا می‌دهد.

همچنین، زبان فارسی در حوزه علم و فناوری، ابزاری برای استقلال معرفتی و خودباوری علمی ارائه می‌دهد. گفتمان رهبر انقلاب نشان می‌دهد که مرجعیت علمی و فناوری ایران، هنگامی پایدار و مشروع خواهد بود که زبان فارسی محور تولید دانش باشد، نه صرفاً ابزار انتقال دانش خارجی. در اینجا، زبان فارسی به یک نماد هژمونیک تبدیل می‌شود که مشروعیت علمی، فرهنگی و تمدنی ملت را بازتولید می‌کند. با این حال، چالش‌هایی نیز در این مسیر وجود دارد؛ از جمله آنکه جامعه فارسی‌زبان در یکی - چند سده گذشته، چیز تازه‌ای در زمینه اندیشه و دانش و فن پدید نیاورده است تا زبان فارسی هم در پی آن با این زمینه‌ها اخت و آشنا شده باشد (حق‌شناس: ۱۳۷۰: ۲۰۱).

در نهایت، می‌توان گفت که گفتمان رهبری، با بازتعریف «تهاجم فرهنگی» به‌عنوان غیریت‌سازنده، توانسته است «حفظ زبان» را به یک پروژه هویت‌ساز و تمدنی تبدیل کند. این گفتمان، از طریق زنجیره هم‌ارزی میان زبان، هویت، استقلال، مقاومت و علم، نظامی معنایی می‌سازد که در آن زبان فارسی نه صرفاً میراث گذشته، بلکه محور شکل‌گیری آینده‌ای مستقل، علمی و فرهنگی برای ایران و جهان فارسی‌زبان است. در چارچوب لا کلا و موفه، این لحظه، همان گذر

گفتمان از وضعیت دفاعی به وضعیت هژمونیک است؛ جایی که مقاومت فرهنگی و حفظ زبان، نه تنها اقدامی محافظه کارانه، بلکه کنشی فعال، مولد و هویت ساز محسوب می شود. افزون بر این، راهکارها و دغدغه‌هایی که مقام معظم رهبری در زمینه پاسداشت زبان فارسی مطرح کرده‌اند، با دیدگاه‌های زبان‌شناسان و صاحب نظران معاصر هم راستا است. بسیاری از پژوهشگران و زبان‌دانان بارها هشدار داده‌اند که زبان فارسی در معرض تهدیدهای جدی قرار دارد. درباره ماهیت این تهدید، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است؛ از جمله ورود بی‌رویه واژگان بیگانه، ترجمه‌های نادرست و گمراه کننده، مداخله‌ی افراد غیرمتخصص در حوزه زبان، سلطه آثار کهن بر ادبیات معاصر، ضعف عمومی در آموزش زبان فارسی، ناآشنایی نویسندگان با اصول نگارش، گسترش گرتبرداری از زبان‌های بیگانه، بی‌توجهی نظام آموزشی و رسانه‌ها به زبان معیار، و کاهش گرایش دانشجویان مستعد به رشته‌های زبان و ادبیات فارسی‌تداوم و پویایی زبان فارسی را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته و ضرورت سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی آگاهانه در جهت صیانت از این میراث تمدنی را دوجندان می‌کند (داوری‌اردکانی، ۱۳۸۴).

منابع

- آشوری، داریوش، (۱۳۸۹). بازاندیشی زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- اسمعیل زاده، مریم. (۱۳۹۳). «نقش شاعران بزرگ زبان فارسی در حفظ و پاسداشت از زبان فارسی به عنوان زبان ملی»، گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) گفتمان: یادگفتمان و سیاست، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه انسانی
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص: ۲۱۲-۱۸۱
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۰). مقالات ادبی، زبان‌شناختی، تهران: نیلوفر.
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۴). «نقش زبان و ادبیات در پیشرفت‌های علمی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دوره ۵۶، شماره ۱۷۳، صص: ۳۶-۲۵
- خدایار، ابراهیم. (۱۳۹۷). «موانع و راهکارهای گسترش خط، زبان و ادب فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک با ایران»، مطالعات ملی. دوره ۱۹، شماره ۷۴، صص: ۲۱-۳

- داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۴). «صاحب‌نظران ایرانی و زبان فارسی»، نامه‌پرسی، سال دهم، شماره ۳، صص: ۲۷-۳.
- رضی، احمد، و ضیایی، حسام. (۱۳۸۹). «ویژگی‌ها و مسایل زبانی وب نوشت‌های فارسی»، نامه فرهنگستان. سال یازدهم، شماره ۳، صص: ۵۳-۴۴.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: پاژنگ.
- سیدان، مریم. (۱۳۹۵). «چند پیشنهاد سیاستی در حوزه فارسی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره ششم، شماره ۲۱، صص: ۲۲۷-۲۱۳.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی. دوره هفتم، شماره ۲۸. صص: ۱۸۰-۱۵۳.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۳)، قدرت، گفتمان و زبان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نشر نی.
- صابری زفرقندی، محمدباقر. (۱۴۰۱). «حفظ شان علمی زبان فارسی به عنوان زبان تفکر، فرهنگ و تاریخ». مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار). دوره بیست و هشتم، شماره ۴، صص: ۳۹۷-۳۹۲.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، تهران: انتشارات فردوسی.
- قاسمی پیربلوطی، محمدامین. (اردیبهشت ۱۴۰۲). «ارزبابی عملکرد قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه (به همراه الزامات تقنینی و ملاحظات سیاست‌گذاری زبانی در جهت پاسداشت زبان فارسی)». تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://sid.ir/paper/fa/1060773>
- کافی، علی (۱۳۷۲). مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گنجی، نرگس و اشراقی، فاطمه (۱۳۹۳). «تصویر ایرانیان و ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره چهارم، شماره ۱۵، صص: ۱۸۰-۱۵۷.
- مجیدی، محمد رضا و دهقان‌یان فراشاه، محمد حسین. (۱۳۹۶). «راه ابریشم و ایران فرهنگی؛ مؤلفه‌هایی برای همگرایی منطقه‌ای در غرب آسیا»، فصلنامه سیاست. دوره چهل و هفتم، شماره ۳، صص: ۷۷۱-۷۵۳.
- مسعودی پور، سعید. (۱۳۹۹). «بررسی جایگاه زبان فارسی در نام‌های تجاری محصولات ایرانی تبلیغ شده در رسانه ملی»، اندیشه مدیریت راهبردی. دوره چهاردهم، شماره ۲، صص: ۶۱۴-۵۸۵.
- مقدمی، محمد تفسی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، ۹۱-۱۲۴.
- منصوری، رضا (۱۳۷۴). «چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی ما باشد؟». نشر دانش. شماره ۸۸، صص: ۱۲-۲۵.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۹۵)، تاریخ زبان فارسی، جلد ۷، چاپ دهم، تهران: فرهنگ نشر نو.

- نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیس، لوئیز (۱۳۹۵). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
- یورگنسن، ماریان و فیلیس، لوئیز (۲۰۱۹). «تحلیل الخطاب: النظرية و المنهج». ترجمه شوقی بوغانی. الطبعة الأولى). المنامة: هيئة التحريریة للثقافة و الآثار.

- Arberry, Arthur Hohn (1953). The legacy of Persia. Oxford: Clarendon Press.
- Charbonnier, G. (1961). Entretiens avec Claude Levis- Strauss. Paris: Agora. (2015)
- .Comprehensive Annual Report on Public Diplomacy and International Broadcasting
- Halliday, M. A. K. (2004). The Language of Science. London/New York: Continuum.
- Jacobs, T. (2018). The dislocated universe of Laclau and Mouffe: an introduction to post-structuralist discourse theory. Critical Review, .315-294 ,(4-3)30
- Jorgensen, Marianne and Louise Phillips (2002) Discourse Analysis as Theory and Method, SAGE Publications, London, Thousand Oaks New Delhi, First Published.
- Laclau, Ernesto. 2005. On Populist Reason. London: Verso
- Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (2002) Antonio Gramsci, Critical Assessment of leading Political Philosophers, London: Routledge.
- Laclau, Ernesto (1994) The Making of Political Identities, London: Verso.
- Laclau, E. & Mouffe, CH. (1985) Hegemony and Socialist Strategy, London: verso.
- Laclau, E (1993) Power and Representation. In m. poster (ed). Politics, theory and contemporary culture. New York: Columbia university press.
- Rypka, J. (1968). History of Iranian Literature. Dordrecht: D. Reidel.
- Skjacrvo, Prods Oktor (2002). An Introduction to Old Persian. Harvard: Harvard university.